

بررسی تطبیقی موضوع اصحاب در نهج البلاغه و متون تاریخی
(تا پایان قرن چهارم هجری)

مهدی خزایی* / حسن جوادی نیا**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۲

چکیده:

نقش اصحاب و جایگاه ایشان یکی از مهمترین موضوعات تاریخ صدر اسلام می‌باشد. این اهمیت گذشته از جایگاه برجسته ایشان، به علت تأثیر نقش عمل صحابه در جهت گیری‌های سیاسی، فقهی و کلامی مسلمانان در دوره‌های بعد ایجاد شده است. با این وجود متون تاریخی در قرون اولیه اسلامی تعریف روشنی از مصادیق صحابه ارائه نموده‌اند. عمده‌ترین ملاک این متون برای تعریف اصحاب، قرابت زمانی و مصاحبت افراد با پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد. مورخان مذاهب اسلامی در موضوع صحابه، بسیار از اعتقادات کلامی تأثیر پذیرفته و نتوانسته‌اند در این زمینه نقش مستقلی از خود ایفا نمایند. نظریه عدالت صحابه که از سوی اهل سنت ارائه شده است از این جمله است. همچنین ورود به فضائل نگاری صحابه و یا پرهیز از آن، در همین راستا ارزیابی می‌گردد. نهج البلاغه به عنوان یکی از متون معتبر و متقدم اسلامی، به تعریف جایگاه صحابه و تعیین مصادیق آن براساس شاخص‌های معنوی و رفتاری، و نه فقط شرط مصاحبت زمانی، پرداخته است. نهج البلاغه با بیان بسیاری از فضائل صحابه، نقش فعال اصحاب در اعتبار بخشیدن به جایگاه صحابه رسول خدا ﷺ و حفظ ارزش این مقام را بیان نموده. به اعتقاد نهج البلاغه صحابی بودن مانع از نقد افراد در قبال عملکردشان نخواهد بود.

کلید واژگان:

نهج البلاغه، متون تاریخی، اصحاب، شیعه، اهل سنت

Mahdi1358@gmail.com

* استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران (نویسنده مسئول).

h.javadiniya@cfu.ac.ir

۱. مقدمه

تحولات تاریخ صدر اسلام و اقدامات رهبران جامعه اسلامی در آن مقطع بسیار مهم، الگویی برای بهره‌گیری مسلمانان در دوره‌های متأخر گردیده است. توجه به سیره و سنت نبوی ﷺ و نحوه رفتار خلفای ایشان از اهمیت ویژه‌ای در این عرصه برخوردار می‌باشد. مجموعه این الگوها مبنایی برای عمل فردی، سیاسی و اجتماعی عامه مسلمانان بوده است. در این خصوص نوع عمل اصحاب، و نیز نحوه تعامل با ایشان، از جمله موضوعاتی می‌باشد که تأثیر قابل توجهی از خود بجا گذاشته است. این اهمیت تا بدان جاست که پیروان مذاهب مختلف اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، برخی مبانی کلامی خود را بر مبنای شیوه عمل اصحاب پایه‌گذاری نموده‌اند؛ اگر چه میزان استناد پیروان مذاهب شیعه و اهل سنت در این خصوص یکسان نبوده است. الگوبرداری از نحوه قرائت قرآن اصحاب توسط تازه مسلمانان پس از گسترش فتوحات و بروز برخی اختلافات کلامی آنها، که تا مرز تکفیر یکدیگر در این زمینه نیز پیش رفته است، گواه روشنی از نقش آفرینی عمل بر مبنای رفتار صحابه در جامعه اسلامی می‌باشد (رامیار، ۱۳۶۹: ۴۰۹). بنابراین تلاش برای فهم ابعاد مختلف موضوع صحابه علاوه بر کمک به شناخت هرچه بهتر این طبقه مهم در تاریخ صدر اسلام، برای شناخت زمینه‌های اختلافات کلامی و سیاسی پیروان مذاهب اسلامی نیز مفید و مؤثر خواهد بود. در پژوهش حاضر ابتدا به معرفی متون تاریخی شیعیان و اهل سنت در خصوص ابعاد مختلف و چگونگی پرداختن این متون به موضوع صحابه خواهیم پرداخت. در ادامه، بررسی تطبیقی ابعاد مختلف این موضوع در متون تاریخی و نهج البلاغه مورد توجه قرار خواهد گرفت. البته یادآوری این نکته ضروری است که گرچه پژوهش حاضر در پی بررسی متون تاریخی می‌باشد، اما حداقل به دو دلیل مهم ناگزیر از مراجعه به متون حدیثی بوده‌ایم. عامل نخست پیوستگی دانش حدیث و تاریخ در قرون اولیه هجری و عدم تفکیک آنها از یکدیگر در این دوره زمانی می‌باشد. علت دیگر مراجعه به متون حدیثی نقش برجسته اعتقادات کلامی مورخان در گزارش‌های تاریخی آنها بوده است که به ناچار به نقل منابع آن دیدگاه‌ها پرداخته شده است.

۱-۱. بیان مسئله

حوادث گوناگون صدر اسلام و نیز برداشت‌های فردی و اجتماعی از نتایج آنها، از اعتبار مهمی در تاریخ اسلام برخوردار می‌باشد. با وجود تمرکز عامه مسلمانان بر این دوره، در تعریف برخی از



جنبه‌های آن اتفاق نظر حاصل نشده است. از جمله این موضوعات، صحابه و جایگاه ایشان می‌باشد. اختلاف در تعیین مصادیق شناسائی صحابه، رویکردهای مختلف در خصوص ملاک‌های شناخت ایشان، تفاوت دیدگاه در زمینه جواز یا عدم جواز نقد عمل صحابه و همچنین اختلاف دیدگاه‌ها در مورد مشروعیت استناد به عمل آنها در مبانی اعتقادی، از جمله زمینه‌های این اختلافات می‌باشد. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد به این مسئله پرداخته شود، که رویکردهای ارائه شده در نهج البلاغه با دیدگاه‌های منابع تاریخی در این خصوص چه مشابهت یا تفاوت‌هایی دارد؟ به عبارت دیگر تعیین نقاط اشتراک و افتراق نهج البلاغه با متون تاریخی در خصوص ابعاد گوناگون موضوع اصحاب مسئله اصلی این پژوهش خواهد بود.

در این راستا سوالات زیر نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت: تعریف و تحدید صحابه در نهج البلاغه و متون تاریخی چگونه است؟ دیدگاه‌های نهج البلاغه و متون تاریخی در خصوص نقد عمل صحابه چیست؟ ابعاد مختلف موضوع صحابه در متون تاریخی شیعیان و اهل سنت چگونه بیان گردیده است؟ آیا متون شیعیان در طرح رویکردهای‌شان نسبت به صحابه متأثر از نهج البلاغه بوده‌اند؟ روند صحابه نگاری در متون تاریخی چگونه است؟ آیا می‌توان گزارش‌های نهج البلاغه در خصوص اصحاب را نوعی از صحابه‌نگاری متقدم ارزیابی نمود؟ بنابراین، سوالات مطرح شده در پی روشن نمودن ابعاد گوناگون موضوع صحابه در نهج البلاغه در مقایسه با متون تاریخی می‌باشد. همچنین از سوی دیگر تفاوت رویکردهای متون تاریخی با یکدیگر نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. پیشینه پژوهش

با عنایت به مقدمه مطرح شده، باید اذعان نمود که موضوعات مرتبط با اصحاب در حوزه دانش‌هایی مانند فقه، حدیث، علوم قرآن، قرائت، تفسیر، کلام و تاریخ، همواره مورد توجه عالمان و پژوهشگران قرار داشته است. بر این اساس در تعدادی از پژوهش‌های معاصر نیز از زاویه دانش‌های یاد شده به موضوع اصحاب پرداخته شده است. از جمله این پژوهش‌ها مقاله صحابه از نظر قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام نوشته محمدهادی معرفت می‌باشد که در تابستان ۱۳۸۴ در مجله پیام جاویدان به چاپ رسیده است. قاعده شناخت صحابه با محوریت احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پژوهش دیگری است که محترم شکوریان در تابستان ۱۳۸۸ در مجله علوم حدیث منتشر نموده است. در حوزه دانش حدیث و



ارتباط آن با اصحاب، پژوهش شخصیت حدیثی عمار توسط محمود کریمی و سعید طاوسی مسرور، در سال ۱۳۸۸ در مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث انتشار یافته است. مقاله تأثیر وضع اقتصادی اصحاب، شاخصی بر میزان همراهی آنان در غزوات، با توجه به نقش تاریخی اصحاب در تحولات صدر اسلام، توسط علی محمد ولوی و خدیجه سهراب زاده در سال ۱۳۹۰ در مجله مطالعات تاریخ فرهنگی به چاپ رسیده است. همچنین محمدرضا هدایت‌پناه در ضمن چند پژوهش با رویکرد تاریخی-کلامی به موضوع اصحاب توجه نشان داده است. از جمله آنها می‌توان به دو مقاله درآمدی بر شناخت و شکل‌گیری و تطور صحابه نگاری و مکتب تاریخی و کلامی صحابه نگاری، که به ترتیب طی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴ در مجله تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، چاپ شده، اشاره نمود. در راستای این موضوع پژوهش امویان مبلغ تقابل صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام، از همین نویسندگان در سال ۱۳۹۲ در فصلنامه علمی و پژوهشی شیعه‌شناسی منتشر شده است. همچنین کتاب تطور سیره نگاری توسط محمدرضا هدایت‌پناه نیز منتشر شده است که البته تا زمان نگارش این پژوهش، دسترسی به کتاب مذکور میسر نگردید. مقاله ایمان صحابه در قرآن اثر دیگری است که توسط علی خراسانی در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه پژوهشی نقد و نقد به چاپ رسیده است. این مقاله با بحث مختصری در خصوص تعیین مصادیق صحابه، با استفاده از منابع تاریخی و حدیثی به بررسی نسبت اصحاب با ایمان پرداخته است. در این مقاله از آیات قرآن کریم برای معرفی ابعاد مختلف ایمان صحابه استفاده شده است. ضمن توجه و احترام به تلاش‌های انجام شده در این خصوص و همچنین با تأکید بر اهمیت و کاربردی بودن موضوع اصحاب در بسیاری از علوم اسلامی، تبیین رویکردهای متون تاریخی درباره جنبه‌های مختلف حیات اصحاب و تطبیق آنها با مبانی مطرح شده در کتاب گرانسنگ نهج البلاغه، به عنوان یک معیار مهم ارزشیابی خواهد توانست در تبیین هرچه بهتر آن مؤثر باشد. قابل ذکر است که با بررسی انجام شده، در موضوع پژوهش حاضر فعالیت خاصی صورت پذیرفته است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

اصحاب پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان یک طبقه مهم اجتماعی در صدر اسلام به شمار رفته‌اند. اهمیت این طبقه اجتماعی تأثیر گذار به دو عامل اساسی باز می‌گردد. از یک سو ارتباط ایشان با



شخص پیامبر ﷺ، به جهت نقش واسطه‌ای اصحاب در نقل و روایت سنت نبوی، و از سوی دیگر نوع سلوک فردی و اجتماعی این طبقه در ابعاد فردی و اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفته و مبنایی برای عمل مسلمانان متأخر گردیده است. به همین دلیل ابعاد مختلف موضوع اصحاب از جمله موضوعات مورد توجه در چهار قرن اول هجری به شمار رفته است. با دقت در بسیاری از قضایای کلامی و فقهی فرق اسلامی، می‌توان نقش و تأثیر برجسته صحابه و جهت‌گیری‌های آنها در تدوین چارچوب‌های این مبانی فقهی و کلامی را به روشنی مشاهده نمود. بطور کلی، اصحاب دارای نقش مهمی در تحولات عصر نبوت بوده و از این جهت در متن حوادث گوناگون تاریخ صدر اسلام و نیز در سنت و حدیث جایگاه برجسته‌ای یافته‌اند. گذشته از فعالیت صحابه در دوره حیات نبوی ﷺ، عمل صحابه در دوره خلفای راشدین و پس از آن نیز ملاک تصمیم‌گیری بسیاری از مسلمانان در ابعاد فردی و اجتماعی به شمار رفته است. بواسطه این اهمیت کتاب‌های متعددی با عناوینی نظیر صحابه، طبقات الصحابه و فضایل الصحابه در خصوص ایشان تدوین گردیده است. همچنین در کتاب‌های حدیثی بخش‌هایی با عنوان مناقب ارائه شده که بیشتر درباره صحابه است. از سوی دیگر مقایسه و تطبیق این متون تاریخی با نهج البلاغه که یک کتاب خاص و منحصر به فرد به شمار می‌رود در تبیین ابعاد نگرش‌ها به این موضوع کمک فراوانی خواهد نمود. بنابراین بحث و بررسی پیرامون نوع رویکرد متون مختلف اسلامی درباره صحابه، می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر زمینه‌های کلامی و نیز منشاء اختلافات سیاسی یا فقهی مذاهب اسلامی مؤثر باشد.

۱-۴. روش پژوهش

روش پژوهش در این اثر کتابخانه‌ای و مبتنی بر نقد و تحلیل متون می‌باشد.

۲. تعریف اصحاب

در ابتدای این مبحث باید اذعان نمود که با وجود اهمیت نقش صحابه و عملکرد ایشان در تاریخ صدر اسلام، تعریف جامع و مانعی در مورد تعیین مصادیق اصحاب از سوی پیروان مذاهب اسلامی در چهار قرن اول هجری صورت پذیرفته است. همچنین دیدگاه یکسانی درباره چگونگی تعامل با صحابه، در خصوص میزان اعتبار شخصیت یا چگونگی نقد عملکرد ایشان، از سوی عالمان مسلمانان ارائه نشده است. علاوه بر سکوت منابع متقدم در خصوص ارائه تعریف مشخص و مورد



قبول همگان از صحابه، طرح دیدگاه‌های متفاوت و غالباً متضاد در زمینه تعریف مصادیق، جایگاه و همچنین جواز نقد و قضاوت درباره عمل ایشان، از جمله مشخصه‌های متون اسلامی در این زمینه می‌باشد (موسوی، ۱۴۲۶: ص ۱۳-۱۸). بدین سبب جهت بررسی تعریف صحابه از دیدگاه عامه مسلمانان، چاره‌ای جز مراجعه به متون متأخر، اعم از متون تاریخی، حدیثی یا فقهی نیست. شایان ذکر است که تعاریف ارائه شده در متون متأخر در این خصوص به نوعی در بین مسلمانان قبول عام یافته و به عنوان دیدگاه‌های رسمی مذاهب اسلامی پذیرفته شده است. اگرچه این دیدگاه‌ها با تأخیر در متون تاریخی و حدیثی ارائه شده است، اما تا میزان بسیار زیادی منعکس کننده رویکرد مطرح در بین شیعیان و اهل سنت در قرن‌های اول تا چهارم هجری است. نکته قابل توجه دیگر در تعریف صحابه این است که گرچه برخی از پژوهشگران تلاش نموده‌اند با بهره‌برداری از آیات قرآن تعریفی قرآنی از اصحاب ارائه دهند (خراسانی، ۱۳۹۹: ۱۷۹-۱۵۵). اما واقعیت این است که این اقدام تنها توانسته است برخی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های مسلمانان صدر اسلام از نگاه قرآن کریم را به تصویر بکشد؛ و تعریف مورد انقادی از اصحاب از آنها برداشت نمی‌شود. در غیر این صورت نباید اختلافی در دیدگاه‌های متأخرین از شیعیان و اهل سنت در این زمینه وجود داشته باشد. این در حالی است که واقعیت انعکاس یافته در متون اسلامی خلاف آن را اثبات می‌نماید.

با مقدمه مطرح شده در ابتدا به طرح دیدگاه‌های ارائه شده درباره تعریف و تعیین مصداق صحابی پرداخته خواهد شد. عموم پیروان مذاهب اهل سنت و اهل حدیث معتقدند اصحاب پیامبر ﷺ افرادی هستند که محضر ایشان را در تمام طول عمر آن حضرت، یا حتی در مقطعی بسیار کوتاه درک کرده و به ایشان ایمان آورده باشند. این گروه عقیده دارند همه کسانی که رسول خدا ﷺ را به نوعی ملاقات نموده و علی‌الظاهر در سن کودکی یا بزرگسالی به او ایمان آورده باشند، در زمره صحابه بشمار می‌روند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۷-۹/۱). پیروان این نظریه معتقدند زنان و مردان اعم از آزاد، برده یا کنیز، که رسول خدا ﷺ را ملاقات کرده‌اند یا سخنی از ایشان شنیده‌اند و یا شاهد عملی از ایشان بوده‌اند و مشاهدات خود را نقل کرده‌اند در زمره صحابه بشمار می‌روند (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۹/۱) البته یادآوری این نکته ضروری است که منظور از اهل سنت و یا اهل حدیث در پژوهش حاضر معتقدان به نظریه خلافت پس از پیامبر ﷺ در مقابل قاتلان به نظریه امامت

می‌باشد. ایشان همچنین تمامی صحابه را موصوف به عدالت دانسته‌اند. غالب مسلمانان اهل سنت، ضمن غیرقابل نقد شمردن اصحاب، از ذکر هرگونه خطا یا اشتباه از سوی ایشان اجتناب نموده‌اند و اصحاب را با حسن ظن کامل نگریسته‌اند. عبارت ابن حنبل در این زمینه چنین است: «اذا رایت الرجل ینتقض احد من الاصحاب رسول الله ﷺ فاعلم انه زندقٌ. وذلک ان الرسول عندنا حقٌ، و القرآن حقٌ، وانما ادى الینا هذا القرآن والسنن اصحاب رسول الله ﷺ و انما یریدون ان یجرحوا شہودنا لیبتلوا الکتاب و السنه» (ابن حنبل، ۱۴۳۰: ۱۸) این گروه از مسلمانان با قبول همه فضایل مطرح شده در قرآن^۱ و سیره در مورد صحابه، و اذعان به استمرار تمجیدهای مطرح شده در مورد آنان تا پایان عمر، در مورد خطاها، اختلافات و درگیری‌هایی که بین صحابه واقع شده است، از قضاوت خودداری نموده و آنان را مجتهدانی دانسته‌اند که حتی در صورت خطا مأجور خواهند بود (سلمی، ۱۴۰۸: ۲۰۹). به عنوان نمونه عبارت ابن حجر در این خصوص چنین است: «... ونحن و ان کان الصحابه رضی الله عنہم قد کفینا البحث عن احوالہم لاجماع اهل الحق من المسلمین و ہم اهل السنه و الجماعه علی انہم کلہم عدول، فواجب الوقوف علی اسمائہم و البحث عن سیرہم و احوالہم لیہتدی بہدیرہم، فہم خیر من سلک سبیلہ و اقتدی بہ و اگرچه ما از بررسی احوال صحابه رضی الله عنہم به علت اجماع مسلمانان اهل سنت و جماعت در خصوص آنها، که همگی آنان را عادل می‌دانند، بی‌نیاز هستیم، اما واجب است بر اسامی آنان توقف کنیم و از سیره و احوال ایشان به قصد هدایت بهره ببریم. زیرا آنان بهترین کسانی هستند که راه‌شان قابل پیروی و به آنها اقتدا می‌شود (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۸/۱). بنابراین می‌توان اینگونه بیان نمود که مشخصه عمده پیروان این نظریه چنین است که تمامی اخباری را که به نوعی شامل طعن و ایراد بر صحابه است را به علت تعارض این اخبار با نظریه عدالت قطعی و مورد قبول در خصوص آنان، مردود می‌دانند و اختلافی در این نظر در بین اهل سنت وجود ندارد (ابن منده، ۱۴۲۶: ۱۲/۱؛ الحمیدی، ۱۴۱۸: ۴۰/۱).

۱- (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (سوره توبه، آیه ۱۰۰) (قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (سوره مانده، آیه ۱۱۹) (لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا) (سوره فتح، آیه ۱۸) (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (سوره مجادله، آیه ۲۲)



اما برخلاف اهل سنت، شیعیان، بویژه پیروان مذهب امامیه، تعریف محدودتری از افراد مشمول صحابه را ارائه داده‌اند. این گروه از مسلمانان، صحابی را فردی دانسته‌اند که علاوه بر ملاقات با رسول اکرم ﷺ و افتخار مصاحبت با ایشان، با بذل جان و مال نقش مهم و مؤثری در انتشار دعوت اسلامی از خود نشان داده باشند. در واقع براساس این تعریف، شیعیان مصاحبت و ملاقات با پیامبر ﷺ را شرط لازم برای قرار گرفتن در زمره اصحاب ایشان دانسته، اما کافی نمی‌دانند. بلکه اقدام عملی را بگونه‌ای که تصدیق‌کننده ایمان به رسالت و رسول باشد نیز ضروری دانسته‌اند (موسوی، ۱۴۲۶: ۱۴-۱۵). همانگونه که به عدم ارائه تعریف معین از صحابه در متون اهل سنت اشاره شد، متون شیعی نیز به طور خاص در این زمینه تعریف جامعی را در قرون اولیه ارائه ننموده‌اند. از این رو دیدگاه ارائه شده در این بخش از پژوهش براساس سخنان ائمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان مکتب تشیع استوار است. سخنان نقل شده از امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه و ویژگی‌های مطرح شده از امام علی بن الحسین علیه‌السلام در صحیفه سجادیه از این دست متون بشمار می‌رود (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۱۳۰، ۱۸۲؛ صحیفه سجادیه، دعای چهارم). شیعیان همچنین صحابه و رفتار ایشان را کاملاً قابل نقد دانسته‌اند. از این رو غالب متون شیعی به رفتارهای صحابه با دیده نقد و ایراد نگریسته و در موارد متعددی انتقادات جدی را در خصوص افکار و عملکرد آنها مطرح نموده‌اند. تا جایی که طرح هر گونه طعن و ایراد در مورد آنان را جایز دانسته و حتی در خلال برخی حوادث صدر اسلام از ارتداد صحابه، به جز تعداد اندکی از آنان، سخن به میان آورده‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۶؛ همچنین ر.ک: معرفت، ۱۳۸۷: ۶۱، ۶۷).

علاوه بر تعاریف مطرح شده از سوی شیعیان و اهل سنت در زمینه معرفی و تعیین مصادیق صحابه، نهج البلاغه نیز رویکرد منحصر به فردی را در این خصوص ارائه نموده است. در تعدادی از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه و در ضمن سخن پیرامون موضوعات متنوع، از اصحاب رسول خدا یاد شده است. امام علی علیه‌السلام در مواردی با نام بردن از برخی اصحاب مانند ابوذر و عمار، ایشان را به عنوان الگوهای برجسته‌ای از اصحاب معرفی نموده‌اند (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۱۳۰، ۱۸۲). بنابراین طرح نمونه‌های عینی و مصادیق معین از افراد برجسته صحابه، در عین توجه به سبک زندگی و موضع‌گیری‌های سیاسی و اعتقادی آنها، از جمله ویژگی‌های خاص نهج البلاغه می‌باشد.



برخلاف رویکرد بیشتر عالمان مسلمان که برای تعریف صحابی بیشتر به جنبه های ظاهری و موقعیت های مادی افراد در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجه داشته اند، مشخصه عمده نهج البلاغه در این زمینه تمرکز بر خصوصیات معنوی و اعتقادی و عملکرد مبتنی بر آن می باشد. ویژگی هایی مانند ساده زیستی، شب زنده داری، یاد معاد و خوف عقاب، امیدواری به پاداش و ثواب در روز جزاء، داشتن آثار سجود و عبادت برچهره، اشتیاق به شهادت جهاد در راه خدا از آن جمله می باشد (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۹۷ و ۱۹۲). از این جهت با استناد به تمرکز امام علی علیه السلام در بیان شاخصه های معنوی و رفتاری اصحاب در تعیین مصادیق، می توان این گونه استفاده نمود که امام علی علیه السلام در تعیین مصادیق اصحاب، فراتر از توجه به جنبه های ظاهری و معیت زمانی یا مکانی افراد با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به داشتن ویژگی های مطرح شده، به عنوان برجسته ترین ملاک در تعیین صحابه عنایت داشته اند. نکته شایسته توجه در این خصوص لزوم امتداد وجود اینگونه ملاک های معنوی پس از حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و تا پایان عمر است. از این جهت می توان نحوه تعریف صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله توسط نهج البلاغه را یک تعریف خاص و منحصر به فرد قلمداد نمود (معرفت، ۱۳۸۷: ۴۴، ۴۱).

پس از ارائه دیدگاه های متون و عالمان اهل سنت، شیعه و نهج البلاغه در تعریف اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در ادامه به بررسی مشخصه و جزئیات مطرح شده در متون اسلامی، با تکیه بر متون تاریخی و مقایسه تطبیقی این متون با نهج البلاغه می پردازیم. شایان ذکر است که مقصود از متون تاریخی در این پژوهش هرگونه مکتوبی است که در ارتباط با بخش های مختلف تاریخ از سوی مسلمانان به نگارش درآمده است. برخی از متون دوره مورد پژوهش اساساً با هدف تاریخی نگارش نیافته اند، اما از آنجا که در بردارنده اطلاعات تاریخی و بیان گر رویکردهای مؤثر در این عرصه می باشند، مورد بررسی قرار گرفته و در زمره متون تاریخی این پژوهش به شمار رفته اند. مواردی مانند فضایل نگاری، خراج نگاری، الاموال، فرق و مذاهب از این دست می باشند.

۱-۲. تاریخ نگاری اصحاب (صحابه نگاری)

اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان بخشی از حلقه وصل امت اسلامی با ایشان، همواره مورد



توجه و احترام عامهٔ مسلمانان قرار داشته‌اند. نقش اصحاب در حمایت از دعوت اسلامی و سپس انتقال بخش قابل توجهی از آموزه‌هایست به نسل‌های بعد، هیچ‌گاه از نظر عالمان مسلمان، از جمله مورخان به دور نبوده است. بسیاری از متون اسلامی به بیان تمجیدهای مطرح شده از اصحاب در دوره حیات رسول خدا ﷺ توسط شخص ایشان و همچنین در دوره خلفا پرداخته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۶: ۳۷۸؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۶۴؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰: ۷). در منابع تاریخی و حدیثی نیز تعریف روشنی از اینکه چه کسی دقیقاً صحابه نامیده می‌شود صورت پذیرفته است و اختلاف دیدگاه‌هایی در این خصوص وجود دارد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۰؛ موسوی، ۱۴۲۶: ۱۳، ۱۸؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰: ۱۴، ۱۱) که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد. با وجود اینکه برخی از صاحب نظران ادعا نموده‌اند که اساساً مورخان اهل سنت حامی اصحاب بوده و بیشترین فعالیت را در موضوع اصحاب انجام داده‌اند و مخالفت شیعیان با صحابه، باعث شده تا متون شیعی توجه چندانی به این موضوع نداشته باشند، اما بررسی متون متقدم، بی‌اساس بودن این ادعا را ثابت می‌نماید. برخلاف این دیدگاه، حتی برخی پژوهشگران معتقدند اساساً شروع صحابه نگاری در مذهب شیعه و توسط پیروان این مذهب صورت پذیرفته است (هدایت پناه، ۱۳۹۲: ۱۸۶). از این رو، می‌توان اذعان داشت پیروان مذاهب اسلامی در اصل احترام و تمجید از صحابهٔ پیامبر ﷺ هیچگونه اختلاف نظری نداشته‌اند و به تبع آن به تدوین متون در این زمینه اقدام نموده‌اند. علاوه بر اینکه تاریخ نگاری اصحاب در قرون اولیهٔ اسلامی برای فرزندان و نوادگان آنها نیز به علت جایگاه معنوی و احتمالاً منافع مادی، مورد توجه ویژه قرار گرفته است. با وجود این واقعیت، بررسی تعداد متون تاریخی در خصوص صحابه تا قرن چهارم هجری، گویای این مطلب است که تدوین آثار تاریخی مورخان اهل سنت در خصوص ایشان بیشتر بوده و شیعیان تمایل چندانی در نگارش این موضوع از خود نشان نداده‌اند (هدایت پناه، ۱۳۸۳: ۲۱۸). به بیان دیگر اگرچه قدمت صحابه‌نگاری در بین شیعیان هم‌ردیف و یا حتی متقدم بر مورخان اهل سنت بوده است، اما ادامه فعالیت در این زمینه با اقبال چندانی از سوی شیعیان مواجه نشده است.

از سوالات مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که ۱- علت اتهام به شیعیان در خصوص مخالفت با صحابه از کجا ناشی شده است؟ و ۲- دلیل یا دلایل عدم استقبال از صحابه‌نگاری در بین شیعیان تا قرن چهارم هجری و احتمالاً پس از آن، به چه عواملی باز می‌گردد؟



در پاسخ به این سؤالات باید اذعان نمود که اعتقاد شیعیان به اخذ سنت از طریق اهل بیت علیهم السلام از یک سو، و همچنین دفاع گسترده اهل سنت از نظریه عدالت کل صحابه (ابن حنبل، ۱۴۳۰: ۸، ۱۵، ۱۸) از سوی دیگر، باعث می‌شد که شیعیان ضمن احترام به عامه صحابه، تمایل و نیاز به تدوین آثار درباره آنان نداشته باشند. این واقعیت باعث می‌گردد تا شیعیان تلاش خود را در خصوص فضایل، مناقب و گزارش‌های مرتبط با اهل بیت علیهم السلام و اثبات امامت آنان مصروف دارند. بویژه بی‌توجهی برخی جریان‌های سیاسی مانند بنی امیه در کتمان فضایل و مناقب اولین صحابی، علی بن ابیطالب علیه السلام، اینگونه حساسیت‌ها را افزایش می‌داد. در این میان پرداختن شیعیان به موضوع حقوق اهل بیت علیهم السلام و تاریخ آنان و همچنین ذکر برخی از مثالب یا مطاعن صحابه، با اعتقاد اهل سنت در خصوص صحابه سازگار نبود (هدایت پناه، ۱۳۹۲: ۱۸۶-۱۸۸). از این جهت اقداماتی مانند عدم پرداختن به موضوع تاریخ‌نگاری اصحاب و اهتمام به تاریخ اهل بیت علیهم السلام در کنار نقض نظریه عدالت کل صحابه، باعث گردیده تا شیعیان به مخالفت با همه صحابه، متهم گردند. اگرچه نقش اعتقادات مذهبی در تاریخ‌نگاری صحابه بسیار پررنگ است، اما اساساً برخی پژوهشگران ریشه تقابل عالمان شیعه و اهل سنت را از ابتدا متوجه سیاست‌های دولت اموی و به صورت خاص، شخص معاویه دانسته‌اند. (همان، ۱۸۸-۱۹۱).

صاحبان این نظر معتقدند زمینه‌های اختلاف در خصوص صحابه، از ابتدا در بین پیروان نظریه خلافت و امامت وجود داشته است، اما امویان با بهره‌برداری سیاسی از این اختلاف رویکرد، سعی نموده‌اند تا شیعیان را مخالف صحابه معرفی نموده و طرفداران نظریه خلافت را علیه آنان بشورانند. این دیدگاه به روشنی در صدد بیان نقش سیاست تفرقه افکن امویان در این خصوص است. نویسندگان این پژوهش ضمن تأیید این نظریه، اذعان دارند که موضوع صحابه تا حد بسیار زیادی از جهت گیری سیاسی حکومت در دوره زمانی مورد بحث تأثیر پذیرفته است. ضمن توجه به زمینه‌های مطرح شده، باید اذعان داشت که تا پایان قرن چهارم هجری آثار متعددی درباره موضوع صحابه و متعلقات آن، البته عمدتاً از سوی اهل سنت تدوین گردیده است و این آثار تدوین شده مبنای مطالعه، بررسی و ارزیابی پژوهشگران دوره‌های بعد در این خصوص گردیده است. (جهت آشنایی بیشتر با محتوای اینگونه آثار ر.ک: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲؛ ابن حجر، ۱۴۱۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹).



۲-۲. فضایل نگاری اصحاب

علاوه بر عنایت ویژه مورخان اهل سنت به تاریخ اصحاب و صحابه‌نگاری، موضوع اثبات فضایل برای اصحاب رسول خدا ﷺ یا همان فضایل الصحابه، از سوی آنان به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. اوج فعالیت‌های صورت گرفته در این خصوص به مقطع زمانی قرن سوم تا پنجم هجری باز می‌گردد. از این جهت بررسی زمینه‌ها و اهداف آن در پژوهش حاضر ضرورت می‌یابد. در اینجا تذکر این نکته لازم است که اگرچه شرح حال نگاری صحابه، شعبه‌ای از تاریخ نگاری است، اما این شرح حال نگاری بیش از آنکه در قالب روند تاریخ نگارانه حرکت نموده باشد، در امتداد اندیشه کلامی اهل سنت و متعهد به آن، شکل گرفته است. همان گونه که قبلاً نیز اشاره گردید، نظریه عدالت تمامی صحابه، اعتقاد اهل سنت در خصوص اصحاب در فضایل نگاری آنان نیز به عنوان یک اصل مطرح می‌باشد. با توجه به این مبنا برخی پژوهشگران با تفکیک آثار تدوین شده در این حوزه به دو نوع صحابه‌نگاری کلامی و صحابه‌نگاری تاریخی معتقد شده‌اند. بر طبق این نظریه حتی صحابه‌نگاری تاریخی نیز تا میزان بسیار زیادی پیرو عقاید کلامی بوده و هیچ‌گاه از استقلال کامل برخوردار نشده و مبتنی بر گزاره‌های تاریخی تدوین نشده است. (هدایت پناه، ۱۳۹۴: ۱۳۲-۱۳۴ جهت مقایسه این دو سبک در متون ر. ک: ابن حنبل، ۱۴۳۰؛ ابن حبان، ۱۴۰۸؛ هدایت پناه، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۳۹). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظریه مورد قبول اهل سنت، یعنی عدالت صحابه، مانع از صحابه‌نگاری آزاد براساس مکتب تاریخ نگاری گردیده و از این رو اهل سنت ترجیح داده‌اند که صحابه‌نگاری و به طور خاص، توجه به فضایل صحابه، بیش از حوزه تاریخ نگاری، در قالب حدیث نگاری تداوم یابد. چرا که براساس این عقیده، محدث یا مورخ نمی‌توانست اخباری را که به نوعی با عدالت صحابه در تعارض قرار می‌گرفت در آثار خود وارد نماید. بدین سبب گرایش به فضایل نگاری و آن هم به صورت عمده در قالب حدیث، مورد توجه اهل سنت قرار گرفته و حجم قابل توجهی از آثار مربوط به صحابه در این قالب تنظیم و ارائه گردیده است. (ر. ک: هدایت پناه، ۱۳۸۳: ۲۲۱-۲۱۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲؛ ابن حجر، ۱۴۱۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹) از مبحث با اهمیت دیگر درباره موضوع تاریخ نگاری صحابه و فضایل نگاری آنان، ادعای ورود اخبار ساختگی و جعل فضایل برای صحابه است. قائلان به جعل فضایل برای صحابه معتقدند این اقدام با حمایت امویان و به منظور کسب مشروعیت از یک سو و رقابت با اهل بیت ﷺ از سوی دیگر، انجام شده است. (برای نمونه

ر.ک ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۱۸) گزارش‌های برخی مورخان شیعه و اهل سنت گویای آن است که این انگیزه‌های مطرح شده از زمان معاویه، بنی‌امیه را وادار به حمایت از پدیده جعل و دامن زدن به آن نموده است. این گزارش‌ها همچنین از حمایت مالی دستگاه حاکمیت اموی از این جاعلان سخن گفته‌اند (پاکتچی، ۱۳۷۹: ۲۵۸-۲۵۹). گزارش ابن ابی‌الحدید در این خصوص چنین است:

«...سپس [معاویه] به کارگزارانش چنین نوشت که: سخن درباره عثمان بسیار زیاد شده و در همه شهرها و نواحی پراکنده شده است. پس از اینکه نامه من به شما رسید مردم را به روایت درباره فضایل صحابه و خلفای اولین بخوانید. هر خبری را که مسلمانان درباره فضایل ابوتراب [علی بن ابیطالب علیه السلام] روایت کرده‌اند، همانند آن را درباره سایر اصحاب نیز روایت کنید. چرا که این کار باعث خشنودی من و مقابله با دلایل و حجت ابوتراب و شیعیانش خواهد بود... این عرفه معروف به نفظوبه هم که از بزرگان محدثان می‌باشد مانند ابن‌خبر را در تاریخش نقل کرده و گفته است: بیشتر احادیث موضوعه در خصوص فضایل صحابه در دوره بنی‌امیه و بخاطر نزدیکی به آنها ساخته شده است، چرا که آنها گمان می‌کردند با این کار بنی‌هاشم را خوار و خفیف می‌نمایند.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۴۵).

گزارش‌هایی از این دست و همچنین وجود انگیزه‌های کلامی قوی در ارتقاء جایگاه صحابه از سوی اهل سنت، باعث گردیده که موضوع جعل فضایل برای صحابه و نقد آن توسط محققان شیعه در حوزه حدیث و تاریخ به شدت مورد توجه قرار گیرد (برای آشنایی با آثاری از این نمونه ر.ک: حسنی، ۱۳۷۲؛ میلانی، ۱۴۳۰). بدین ترتیب موضوع صحابه شامل فضایل، مطاعن و مطالب آنها، جزء بحث برانگیزترین موضوعات اختلافی بین شیعه و اهل سنت در حوادث اجتماعی و نیز در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی به شمار رفته است. به عنوان نمونه یکی از عمده‌ترین دلایل درگیری‌های شیعیان و اهل سنت در بغداد در طول قرن چهارم هجری و دوره حاکمیت آل‌بویه در این شهر، سب صحابه از سوی شیعیان و عکس‌العمل اهل سنت در این خصوص بوده است (ابن کثیر، ۱۳۹۸: ۲۳۶-۲۳۲). از این جهت می‌توان اذعان داشت که گذشته از مسایل مربوط به حوزه حدیث، تاریخ‌نگاری اسلامی نیز در این بخش دچار واگرایی شدیدی از جانب پیروان مذاهب اسلامی گردیده است. از سویی پرداختن شیعیان به موضوعاتی مانند سقیفه، حوادث مربوط به وفات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، واقعه جمل، صفین و بسیاری موضوعات تاریخی دیگر، نیازمند نقد رفتار صحابه بود و از

سویی نظریه عدالت صحابه و بسیاری از احادیث و مبانی کلامی و اعتقادی اهل سنت مانع از آزادی بیان در این حوزه بوده و تنها فضایل‌نگاری در دستور کار آنان قرار داشت. از این جهت بهره‌برداری از حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی در موضوع صحابه نیازمند توجه به این مبانی اختلافی و اطلاع از زمینه‌های واگرایی در خصوص این موضوع می‌باشد.

۲-۳. اصحاب در نهج البلاغه

همانگونه که در مطالب گذشته نیز اشاره گردید، نهج البلاغه مباحث مرتبط با موضوع اصحاب را به شیوه خاص خود مطرح نموده است که در این بخش به بیان این سبک پرداخته خواهد شد. در ابتدا باید به این نکته مهم اشاره نمود که نهج البلاغه با وجود گزارش‌های تاریخی فراوان، یک کتاب تاریخی صرف بشمار نمی‌رود. در نهج البلاغه مطلبی که نشان دهنده یک عامل بیرونی، برای تعریف مصداق اصحاب پیامبر ﷺ باشد، مطرح نشده است. مقصود از عامل بیرونی، عواملی مانند هم‌عصر بودن با رسول خدا ﷺ، مشاهده یا ملاقات ایشان در حال اسلام، همراه بودن با ایشان در موقعیت‌های مکانی یا زمانی مختلف، یا مختصات دیگری می‌باشد که در بخش تعاریف ارائه شده متون اسلامی به آنها اشاره گردید. ویژگی منحصر به فرد نهج البلاغه، معرفی اصحاب پیامبر ﷺ با تکیه بر صفات و خصوصیات رفتاری آنها می‌باشد. براین اساس قبل از اینکه عامل زمان و یا نوع ملاقات با پیامبر ﷺ در معرفی اصحاب به عنوان یک اصل معرفی شود، به بیان ویژگی‌هایی پرداخته شده است که رمز نزدیکی افراد با نبی مکرم ﷺ، و به نوعی نشانه تربیت‌پذیری این افراد از ساحت مقدس ایشان می‌باشد. به عبارت دیگر بیش از تمرکز بر ملاک‌هایی که افراد در خلق آنها نقش نداشته‌اند، معرفی اصحاب براساس میزان الگوپذیری و رشدیافتگی ایشان از مکتب رسول خدا ﷺ مورد توجه قرار گرفته است. البته این شکل از معرفی اصحاب به هیچ وجه نفی‌کننده ملاک‌های متون حدیثی یا تاریخی در تعریف و تعیین مصدیق صحابه نمی‌باشد. بلکه براساس این روش، همزمان به نقش فعال شخص صحابی در حفظ و یا اعتبار این جایگاه توجه داده است. بجای اینکه افراد با قرار گرفتن در چرخه‌ای که نقش منفعلانه‌ای در آن داشته باشند، رفتار و عملکردشان، نشانگر عینی یک صحابه واقعی و ممتاز خواهد بود. طبقاً براساس اینگونه رویکرد، اگر چه همه افرادی که با توجه به عنصر زمان و یا سایر ملاک‌ها، مشمول جایگاه والای صحابه پیامبر ﷺ

خواهند بود، اما اصحابی که دارای انحراف و خطا از صفات یک صحابی واقعی می‌باشند، به عنوان الگوی مورد قبول صحابه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پذیرفته نخواهند شد. با عنایت به استناد بسیاری از مسلمانان به عمل اصحاب در اتخاذ مبانی فقهی و یا کلامی خود، این ویژگی نهج البلاغه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. بدین ترتیب کاملاً روشن است که نهج البلاغه در عین اهمیت دادن به جایگاه برجسته اصحاب، همه افراد و مصادیق صحابه را پیرو راستین و واقعی سنت نبوی و در امتداد سیره آن حضرت نمی‌داند. از این رو معرفی اصحاب براساس ویژگی‌های رفتاری و صفات برجسته آنان صورت می‌پذیرد. بنابراین با اتخاذ چنین شیوه‌ای در معرفی اصحاب، نه تنها اعتقادی به عدالت همه صحابه وجود ندارد، بلکه نقد رفتار صحابه و بیان خطاهای احتمالی ایشان نیز زمینه طرح خواهد یافت. ضمن اینکه مجاهدت و تلاش های اصحاب مخلص و صادق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پایبندی ایشان بر راه استوار آن حضرت، حتی پس از وفات ایشان بسیار برجسته خواهد شد. به بیان دیگر براساس این نگرش مطرح شده در نهج البلاغه، قرارگرفتن در زمره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به همان میزان که افتخارآمیز و مایه مباهات است، اما پایبندی به منش و سیره آن حضرت، شرط مهم برای استمرار و دوام این موقعیت ممتاز دانسته شده است. شرطی که در مراجعه مسلمانان به عمل صحابه باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

نهج البلاغه در موارد بسیار محدودی با نام بردن از افراد شاخص از میان اصحاب، به معرفی ویژگی های و صفات ایشان پرداخته است. در این شیوه از معرفی اصحاب، علاوه بر ارائه الگوی عینی و مصداق مشخص از ایشان، ویژگی‌های این اشخاص را نیز به صورت برجسته بیان نموده است. به عنوان نمونه امام علی علیه السلام با نام بردن از جناب ابوذر به بیان خصوصاتی از وی نظیر سازش ناپذیری در راه حق و خشمناک شدن برای رضای خدا پرداخته است (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۱۳۰). همچنین در خطبه ۱۸۲ به بیان سابقه روشن و فداکاری سه نفر از اصحاب در راه خدا، عمار بن یاسر، مالک بن تیهان، ذوالشهادتین، پرداخته شده است (همان: خطبه ۱۸۲). همان‌گونه که بیان گردید، بیشترین اهتمام نهج البلاغه در خصوص اصحاب، به بیان صفات و ویژگی‌های برجسته عامه صحابه، بدون نام بردن از فرد و یا معیار زمانی مشخصی صورت پذیرفته است. با توجه به این شیوه، تعدادی از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه به معرفی ابعاد مختلف صفات اصحاب، به



عنوان یک معیار مهم در تشخیص مصادیق پرداخته‌اند. از این رو برخلاف روش سایر متون اسلامی که با تعیین مصادیق براساس معیارهای زمان یا مکان، به معرفی اصحاب پرداخته و سپس برای آنها به تقدس و عدالت تام قائل شده‌اند، نهج البلاغه بیشتر بر ویژگی‌های اصحاب به عنوان عامل پایداری و قرارگرفتن در زمره اصحاب پیامبر ﷺ تأکید نموده است. صفاتی مانند جهاد و مبارزه در راه خدا، تحمل صبر و بردباری در برابر مشکلات، راستی و اخلاص، از جمله این صفات می‌باشند (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۵۶ و جعفری، ۱۳۷۸: ۴۲۲). همچنین عبارت خطبه ۹۷ در این خصوص چنین است: «لقد رأيتُ أصحابَ محمدٍ ﷺ، فما أرى أحداً يشبههم منكم، لقد كانوا شعاعاً غرباً وقد باتوا سجداً قیاماً، يراو حوّنَ بينَ جباههم و خدودهم و يقفونَ على مثلِ الجمرِ من ذكرِ معادِهِم، كانَ بينَ اعيُنهم ركبَ المعرى من طولِ سجودِهِم، اذا ذكرَ اللهَ هملتُ اعيُنهم حتى تبَلَّ جیوبهم، و مادوا كما يميذُ الشجرَ يومَ الریحِ العاصفِ، خوفاً من العقابِ و رجاءً للثوابِ» «من اصحاب محمد ﷺ را دیده‌ام، اما هیچ‌یک از شما را همانند آنان نمی‌بینم. آنها صبح می‌کردند در حالیکه موهای ژولیده و چهره‌های غبار آلوده داشتند. شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت می‌گذراندند، و پیشانی و گونه‌های خود را در پیشگاه خداوند بر خاک می‌ساییدند. با یاد معاد چنان نا آرام بودند که گویا بر روی آتش ایستاده‌اند. بر پیشانی آنها از سجده‌های طولانی پینه بسته بود (چون پینه زانوی‌های بزها) اگر نام خدا برده می‌شد چنان می‌گریستند که گریبان‌های آنها تر می‌شد و چون درخت در روز تند باد می‌لرزیدند، از کیفری که از آن بیم داشتند، یا برای پاداشی که به آن امیدوار بودند. (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۹۷. جعفری، ۱۳۷۸: ۷۳۴). علاوه بر نمونه‌های یاد شده، از ویژگی‌های اصحاب پیامبر ﷺ که در نهج البلاغه آمده چنین است: «و همانا من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ سرزنشی نمی‌ترسند، کسانی که سیمای آنها سیمای صدیقان و سخنانشان سخنان نیکان است. شب زنده‌داران و روشنی‌بخشان روزند. به دامن قرآن پناه برده‌ست‌های خدا و رسولش را زنده می‌کنند. نه تکبر و خودپسندی دارند و نه بر کسی برتری می‌جویند، نه خیانتکارند و نه در زمین فساد می‌کنند. قلب‌هایشان در بهشت و پیکرهایشان سرگرم عمل صالح است. (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۱۹۲). از این دست توصیفات می‌توان به نامه ۲۸ نهج البلاغه اشاره نمود. امام علی علیه السلام در این نامه که خطاب به معاویه بن ابوسفیان نوشته شده است، استقامت در عمل برای

خدا، اشتیاق به شهادت و ملاقات پروردگار را از دیگر صفات یاران رسول خدا ﷺ برشمرده‌اند. (همان: نامه ۲۸). در مقایسه با متون تاریخی اهل سنت، که فضایل نگاری اصحاب را در دستور کار خود قرار داده‌اند، نهج البلاغه نیز با اذعان به فضایل و ویژگی‌های برجسته اصحاب، انتساب این فضایل را به صرف قرابت زمانی یا مکانی افراد با پیامبر اسلام ﷺ معتبر و قابل اعتنا ندانسته است. بلکه صلاحیت‌های درونی و معنوی اشخاص، که در عمل اجتماعی و رفتار فردی آنها تجلی یافته و در حیات ایشان استمرار داشته است نشانه فضیلت صحابه به شمار می‌رود.

با توجه به مبنای مطرح شده در خصوص نحوه پرداختن نهج البلاغه به موضوع صحابه، می‌توان ویژگی دیگر این منبع ارزشمند را در خصوص عدم اعتقاد به عدالت همه اصحاب و همچنین جواز نقد رفتار ایشان را درک نمود. براساس این مبنا جایگاه برجسته و فضایل صحابه با چگونگی رفتار ایشان تا پایان عمر و نزدیکی این رفتار با شاخص‌های مطرح شده در این زمینه، ارتباط مستقیم دارد. بنابراین دوری این افراد از شاخص‌های اصحاب پیامبر اسلام ﷺ، چه در دوره حضور شخص پیامبر ﷺ و چه پس از رحلت ایشان، باعث مجاز شمردن نقد صحابه خواهد بود. بررسی متن خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه به روشنی بیانگر این ادعا می‌باشد. به عنوان نمونه موارد متعددی از نقد رفتار و شکایت از عملکرد افرادی چون جناب ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، ابن عباس و برخی دیگر، که از افراد برجسته صحابه می‌باشند، در نهج البلاغه بیان شده است. (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۳، خطبه ۱۳۷، خطبه ۱۷۲، خطبه ۲۱۸، نامه ۲۸؛ همچنین ر.ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۰۵، هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۷۶). علاوه بر ایرادهای امام علی علیه السلام در مسئله جانشینی و ذکر خطای این دسته از اصحاب در مسایل حاکمیتی، برخی متون نیز از نقدهای امام علی علیه السلام بر دریافت‌های فقهی صحابه و رد فتاوی‌ای صحابه در برخی موضوعات سخن گفته‌اند. از جمله این موارد تعیین حکم آزاد نمودن یک برده بخاطر سقط جنینی می‌باشد که در حضور عمر بن خطاب و متأثر از رفتار وی رخ داده بود. درحالی که صحابه ابتدا حکم به برائت داده و سپس به رأی امام علی علیه السلام بازگشتند. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۷۴). بنابراین نهج البلاغه با رد دیدگاه پرهیز از نقد صحابه یا اعتقاد به عدالت ایشان در هر حال، تمامی ابعاد شخصیتی و رفتاری آنها را قابل نقد دانسته و اصحاب را مسئول نتایج و آثار عملکرد خود می‌داند.



۳. نتیجه گیری

از پژوهش انجام شده در موضوع اصحاب، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

سخنان امام علی علیه السلام که در نهج البلاغه گردآوری شده است، محصول نیمه اول قرن اول هجری می‌باشد، بنابراین بر تمامی متون مورخان و محدثان مسلمان سبقت و ارجحیت دارد. همچنین با توجه به اینکه نهج البلاغه فقط یک کتاب تاریخی نیست و برای ثبت در تاریخ نگاشته نشده، از درجه اعتبار بالاتری برخوردار می‌باشد.

برخلاف بسیاری از متون حدیثی و تاریخی شیعیان و اهل سنت که در موضوع اصحاب متأثر از اعتقادات کلامی بوده‌اند، نهج البلاغه در این موضوع به گونه‌ای کاملاً مستقل عمل نموده و دیدگاه خاص خود را ارائه نموده است. بنابراین متن نهج البلاغه بدون هیچ‌گونه پیرایه کلامی به بیان گزارش‌های تحلیلی از اصحاب می‌پردازد.

متون تاریخی در ارائه موضوع اصحاب از فضای سیاسی جامعه اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند، در حالی که نهج البلاغه از این آسیب مبری بوده است. اگر چه تحلیل‌های امام علی علیه السلام جزئی از گزارشات نهج البلاغه در این زمینه است.

با وجود اینکه اصلی‌ترین عامل شناخت صحابه، قرابت زمانی آنان با دوره حیات رسول خداست، اما تعریف، تحدید و تعیین مصادیق اصحاب در نهج البلاغه براساس معیارها و شاخص‌هایی فراتر و جامع‌تر از عامل زمان ارائه شده است. براساس نهج البلاغه این شاخص‌های برجسته که در دوره پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز قابل رصد و ارزش‌گذاری است، می‌تواند توصیف بسیار کامل‌تری از صحابی واقعی را منعکس نماید، تا تأکید صرف بر هم‌عصر بودن افراد با پیامبر صلی الله علیه و آله.

شیوه معرفی اصحاب در نهج البلاغه، به گونه‌ای است که اصحاب از نقش فعال و مؤثری در حفظ و اعتبار این جایگاه مهم و ارزشمند و استمرار بخشیدن به آن برخوردار می‌باشند. در حالی که متون تاریخی، فقط با تأکید بر عامل هم‌زمانی حیات آنان با رسول خدا صلی الله علیه و آله، این قرابت زمانی را به عنوان اصلی‌ترین شاخصه شناخت اصحاب معرفی نموده و نقشی منفعل و خنثی را برای آنان به تصویر کشیده است.



غالب شیعیان فضایل نگاری‌های اصحاب در متون تاریخی و حدیثی را با نقدهایی مانند افراط و مبالغه درباره اصحاب، فضیلت سازی آنان در مقابل اهل بیت علیهم‌السلام و علاقه حاکمان به جعل در این زمینه به چالش کشیده‌اند. در حالی که نهج البلاغه برجسته‌ترین فضایل را برای اصحاب بیان نموده است و هیچ‌گونه ایرادی در این خصوص به آن وارد نشده است. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که امام علی علیه‌السلام خود هم از اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد و هم از زمره اصحاب به شمار می‌رود. برخلاف متون اهل سنت که نظریه عدالت صحابه را مطرح نموده و در گزارش‌های تاریخی و حدیثی خود به آن پایبند بوده‌اند، نهج البلاغه با قائل شدن نقش فعال برای اصحاب و لزوم تلاش و استقامت ایشان در حفظ این جایگاه برجسته، نقد و ایراد به عملکرد اصحاب را جایز دانسته است. این نوع رویکرد بسیار معقول و به دور از تعصب‌های اعتقادی است. همچنین این شیوه در حوزه تاریخ نگاری از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار می‌باشد.

بهره برداری از متون مختلف اسلامی در موضوع اصحاب، براساس شاخص‌ها و معیارهای ارائه شده در نهج البلاغه، به عنوان اصیل‌ترین منبع اسلامی پس از قرآن کریم، خواهد توانست نقص یا ضعف این متون را تا میزان بسیار زیادی برطرف نموده و جویندگان معرفت در حوزه تاریخ صدر اسلام را در مسیر صحیح رهنمون شود. ان شاء الله



منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۳۸۰ ش، گردآورنده: شریف الرضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات لاهیجی.
- صحیفه سجادیه، ۱۳۸۶ ش، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای. قم: نیلوفرانه.
۱. ابن ابی الحدید. عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، ج ۹ و ۱۱، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
 ۲. ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
 ۳. ابن حبان، ۱۴۰۸ ق، تاریخ الصحابه الذین روی عنهم الاخبار، تحقیق: بوران الضناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۴. ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق/۱۹۹۵ م، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، تحقیق: علی محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۵. ابن حنبل، ۱۴۳۰ ق، فضایل الصحابه، ج ۱، تحقیق: وصی الله بن محمدعباس، قاهره: دار ابن الجوزی.
 ۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۴۱۲ ق، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد الجباوی، بیروت: دارالجلیل.
 ۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، ۱۴۱۰ ق، الامامه والسیاسه، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
 ۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۳۹۸ ق، البدایه و النهایه، ج ۱۱، اعداد: خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
 ۹. ابن منده، محمد بن اسحاق، ۲۰۰۵ م-۱۴۲۶ ق، معرفه الصحابه، تحقیق: عامر حسن صبری، العین: مطبوعات جامعه الامارات العربیه المتحده.
 ۱۰. الحمیدی، عبدالعزیز بن عبدالله، ۱۴۱۸ ق/۱۹۹۷ م، تاریخ الاسلامی مواقف و عبر، اسکندریه: دارالدعوه للطبع و النشر و التوزیع.
 ۱۱. پاکتچی، احمد، ۱۳۷۹ ش، «حدیث»، دائره المعارف بزرگ اسلامی ج ۲، ناظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
 ۱۲. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۸ ش، خلاصه ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تلخیص: محمدرضا جوادی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۱۳. حسنی، هاشم معروف، ۱۳۷۲ش، اخبار و آثار ساختگی، ترجمه: حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۱۴. حسینی میلانی، علی، ۱۴۳۰ق، الاحادیث المقلوبه فی مناقب الصحابه، قم: الحقائق.

۱۵. رامیار، محمود، ۱۳۶۹ش، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۶. سلمی، محمدبن صامل، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۰م، منهج الکتابه التاریخ و تدریسه، قاهره: دارالوفاء.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، تصحیح:

هاشم رسولی، فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دارالمعرفه.

۱۸. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷ش، صحابه از منظر اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی

التمهید.

۱۹. مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر الغفاری، بیروت: دارالمفید.

۲۰. موسوی، عبدالرحیم، ۱۴۲۶ق، نظریه عداله الصحابه، قم: مجمع جهانی اهل بیت.

۲۱. هاشمی خویی، حبیب الله، (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، شرح و تصحیح:

ابراهیم میانجی، حسن حسن زاده آملی، تهران: مکتبه الاسلامیه.

مقالات

۲۲. خراسانی، علی، ۱۳۹۹ش، «ایمان صحابه در قرآن؛ بررسی و نقد نظریه عدالت صحابه»، فصلنامه علمی -

پژوهشی فلسفه و الهیات، نقد و نظر، سال ۲۵، شماره ۴، پیاپی ۱۰۰، صص ۱۵۵-۱۷۹.

۲۳. هدایت پناه، محمدرضا، ۱۳۹۲ش، «امویان مبلغ تقابل صحابه و اهل بیت علیهم السلام»، فصلنامه علمی

پژوهشی شیعه شناسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۲۱۸-۱۸۵.

۲۴. -----، ۱۳۸۳ش، «درآمدی بر شناخت و شکل گیری و تطور صحابه

نگاری ۱»، تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، سال اول شماره ۴، صص ۲۳۶-۱۹۷.

۲۵. -----، ۱۳۹۴ش، «مکتب تاریخی و کلامی صحابه نگاری»، تاریخ اسلام

در آئینه پژوهش، سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۳۸، صص ۱۴۶-۱۳۱.